

خانم نیلوفر یزدان‌پناه در تاریخ ۲۵ نوامبر ۲۰۰۹ ایمیلی
حاوی متن زیر به من فرستاده:

«ترانه جان

سراسر حرف‌های عاطف راد غرض‌ورزی بود تا یک
نقد ادبی ...

جواب دهان شکنت را به مهدی عاطف راد خواندم
خود امثال ایشان به لحاظ شخصیتی نیازمند نقد و
تحلیل روانشناختی و گره‌گشایی عقده‌های روانی
هستند.

این نقدهای غرض‌ورزانه را به حساب حماقت کسانی
بگذار که فاقد صلاحیت علمی و اخلاق ادبی هستند.

فکر و تصورشان در محدوده همان جامعه فئودالی و
زندگی‌های نخستین است که زنان بر کمرشان کودک
می‌بستند و روی زمین شوهرها و پدرهاشان کار
می‌کردند می‌باشد ... تحمل دیدن زن‌های علمی قوی
و کارآمد را ندارند.

یک‌عده حرف مفت و گزافه‌گویی را برای ابراز
وجودهای فردی و سرخوردگی‌هایشان مثل مرضی که
این اشخاص عادت کرده‌اند از جهان مالیخولیایی خود
به جهان نگارش بکشند را اینگونه بروز می‌دهند.

از خواندن و برخورد با این اشخاص آزاردهنده بیشتر
به قدر وجودی خودت ایمان بیاور.

توجه تو را به نقش و ارزش زن و جایگاه زن در
ادبیات داستانی عاطف راد.... . جایگاه خودش به
عنوان یک عارف و بقول خودش فیلسوف کلبی...

..نقش قهرمانها و شخصیت‌های داستان کاربرد
الفاظ زنده دشنام‌ها کلمات ناشایست و ... جلب
می‌کنم. تحت عنوان طنز چه میتوان دریافت و
برداشت نمود؟

من بعضی عبارات را با رنگ دیگر مشخص کردم و
بخشهای که نکرده‌ام نه از جهت بی‌اهمیتی که از
جهت توجه به کل ساختار متن‌ها میباشد. آیا وضعیت
ادبیات طنز در ایران فلاکت‌بار است....؟

برایت آرزوی موفقیت پویندگی و پابندگی را دارم.

نیلوفر»